

تاریخ مسینهای ایران

از زبان فرخ غفاری

= تاریخچه سینمای ایران از کجا
آغاز می‌شود؟

فرخ غفاری - باید با این تقسیم‌بندی شروع کنیم که کمک یا سهم ایران در به وجود آوردن وسائل سرگرمی و نمایشی چه بوده؟ و سائلی که بعداً وسائل سرگرمی و نمایشی را به حساب به اصطلاح ماقبل تاریخ سینما گذاشته‌اند. این نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود. یکی قریحه و استعداد مجسمه‌سازها، نقاش‌ها، و نویسندگان ایرانی برای ایجاد آثار هنری دراماتیک؛ مثلاً چگونه در نقش‌های ساسانی، کسی که این نقش‌ها را می‌ساخت، ترتیب قرار گرفتن آدم‌ها را در نظر می‌گرفته و به آنها حالت نمایشی می‌داده و این را در مینیاتور هم خیلی خوب می‌توان دید.

بعد از این دو چیزی که ما داریم، نویسندگان ما هستند، مثل فردوسی که عوامل نمایشی بسیاری در اشعار خود دارد، و همین‌طور عوامل نمایشی در آثار نظامی.

وسایل تفریحی که در این مملکت به وجود آمده اهمیت دارند، یا مثلاً فرض کنید در نمایش «تعزیه» که در واقع تنها تئاتر جدی است که ما داریم، چند نوع کارهای مختلف انجام شده، و بعد از آن تئاتر «خیمه شب بازی» و مخصوصاً نمایشی که «فانوس خیال» نامیده می‌شده است و خیام نیز از آن نام می‌برد.

«خیمه شب بازی» و «فانوس خیال» را بعدها تاریخ‌نویسان جزو تاریخ ماقبل سینما ذکر کرده‌اند.

= چگونه سینما به ایران وارد شد
و تازمانی که فیلمسازی در ایران آغاز
شد ، وضع سینما چگونه بود ؟

فرخ غفاری - بعد از آنچه گفته شد می‌رسیم به قسمت اصلی ، یعنی آمدن دستگاه سینماتوگراف به ایران . برخلاف مقداری از آنچه اخیراً درباره آمدن سینما به ایران نوشته شده ، با کمال جرأت می‌توان گفت ، اولین بار که سینما به ایران وارد شد ، یک دستگاه سینماتوگراف بود که مظفرالدین شاه از اروپا با خود به ایران آورد . به این ترتیب که مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۰ یعنی درست ۷۵ سال پیش سفری به فرانسه کرد و در آب معدنی «کن ترکس ویل» ، در میان وسایل تفریح مختلفی که برای او می‌آوردند یک دستگاه سینماتوگراف آن زمان را هم آوردند ، او خوشش می‌آید ، تعجب می‌کند ، و بطوری که در سفرنامه‌اش می‌نویسد :

«دستگاهی است که به روی دیوار می‌اندازند و مردم در آن حرکت می‌کنند.» و به میرزا ابراهیم خان عکاسباشی دستور می‌دهد که این دستگاه را خریداری کند . اولین فیلمبرداری نیز توسط یک ایرانی انجام می‌شود. در همان سال یعنی ۷۵ سال پیش در کنار دریای بلژیک ، در شهر «استاند» کارناوالی برپا بوده و طبق نوشته مظفرالدین شاه اولین فیلمبرداری را «میرزا ابراهیم خان عکاسباشی» از این کارناوال ، جشن گل‌ها و خانم‌هایی که سوار کالسکه هستند و گل پرتاب می‌کنند ، انجام داده است.

بعد این دستگاه سینماتوگراف به ایران می‌آید و در این مورد دو سند خطی از دست مظفرالدین شاه وجود دارد . در یکی از آنها می‌نویسد :
«بیا و از جمعیت دسته عزاداران محرم ، فیلمبرداری کن . این سند بدون تاریخ معینی است و نمی‌دانیم که کی و در چه تاریخی نوشته شده است .

در سند دیگر می‌نویسد : «بیا و از شیرهای ما در باغ وحش ، (که در فرح‌آباد آن زمان بوده) فیلمبرداری کن.» این اسناد و مدارکی است که امروز درست داریم تازمانی که فیلم «دختر لر» ساخته شد . (فیلمی که «عبدالحسین سپنتا» در هندوستان برداشت و به زبان فارسی بود و در آن مقداری ایرانی شرکت کرده بودند) بدیخانه از فیلم‌های داستانی که قبل از آن در ایران به وسیله ایرانی‌ها تهیه شد ، ما امروز حتی صد متر فیلم هم برایمان باقی نمانده است .

= اگر اثری در دست نیست پس چگونه می‌توان به‌وجودیت این فیلم‌ها پی‌برد؟

فرخ غفاری - در حال حاضر ما درباره آثاری که در این زمان ساخته شده، جز بانوشته‌هایی که در روزنامه‌ها یا گوشه و کنار باقیمانده، یا باخاطره‌هایی که سازندگان این فیلم‌ها دارند، از طریق دیگری نمی‌توانیم قضاوت کنیم. امروز گفتن اینکه کیفیت این فیلم‌ها چگونه بوده، بستگی به قضاوت کسانی دارد که این فیلم‌ها را دیده‌اند. مثلاً نمی‌شود گفت که این فیلم‌ها چه محتوایی داشته‌اند، یا از فرم و محتوای آنها تحلیل کنیم. اینها فقط يك مقدار اطلاعاتی است که جسته و گریخته از اینطرف و آنطرف جمع‌آوری کرده‌ایم.

= از دستگاه سینماتوگراف در ایران چگونه استفاده شد؟

فرخ غفاری - در همان دوره، یعنی در اوائل سال ۱۲۷۹ شمسی، مظفرالدین‌شاه و میرزا ابراهیم خان عکاسباشی دستگاه سینماتوگراف را به ایران آوردند و مدتی بعد نیز اولین بهره‌برداری به‌اصطلاح برای مردم شروع شد. قبل از آن یا خود درباریان و یا نجبا و بزرگان بودند که با دستگاههای پروژکتور و آپارات‌های آن زمان فیلم می‌دیدند، یعنی کسانی که به‌مناسبت‌هایی مثل عروسی، ختنه‌سوران و جشن‌های شاد دیگری، سینماتوگراف دربار را به‌خانه‌شان می‌آوردند و در این ضیافت‌ها فیلم‌های كميك فرانسوی را که از راه روسیه به ایران وارد می‌شد، نمایش می‌دادند. اما این نمایش‌ها خصوصی بود و جنبه عمومی نداشت، یعنی برخلاف تمام نقاط دنیا که سینما از آغاز يك وسیله تفریح عامیانه می‌شود و در زیر چادر و در بازارهای مکاره به‌نمایش درمی‌آید، در ایران يك هنر اشرافی شده بود.

= این دستگاه سینماتوگراف هنوز در ایران وجود دارد؟

فرخ غفاری - مشابه این دستگاه سینماتوگراف، امروز در موزه‌های سینمایی اروپا و آمریکا وجود دارد ولی در ایران نه، چون در ایران این دستگاه‌ها در یکی دو غارت هنگام جنبش مشروطه از بین رفت.

= اولین سالن سینما در ایران
چگونه درست شد؟

فرخ غفاری سه در حدود ۷۰ سال قبل، اولین سینما، البته اگر بشود نام سالن را بر آن گذاشت، در خیابان چراغ گاز آن زمان (امیر کبیر فعلی) باز شد. این سالن را مرد آزادیخواه مشروطه، مرحوم «صحاف باشی» درست کرد. صحاف باشی تحصیل کرده خارج بود و سالنی داشت که آنرا برای نمایش فیلم اختصاص داد. در این سالن فیلم های کمده کوتاه قدیمی را، که در نهایت از ۱۰ دقیقه تجاوز نمی کرد، پشت هم نشان می دادند و قبل از در ورودی سالن، دالانی وجود داشت که در دو طرف آن دستگاه های «کینه توسکوپ» ادیسون گذاشته بودند. کینه توسکوپ ادیسون بی شباهت به شهر فرنگ فعلی نیست، به این معنی که محل خاصی داشت که چشم را به آن می گذاشتند و کنار آن جعبه چهار گوش بلندی وجود داشت که در آن سکه ای می انداختند و یک فیلم کوتاه دو یا سه دقیقه ای را تماشا می کردند تعدادی از این دستگاه در این دالان بود و فیلم هایی را که نشان می داد اغلب از روسیه می آوردند، یعنی به بازار روسیه یعنی شهرهای «اورسا» یا «روستد» می رفتند و فیلم ها را در آنجا می خریدند.

= سالن های بعدی سینما را چه
کسانی ساختند و چرا از فیلم هایی که
شان می دادند اثری باقی نمانده است؟

فرخ غفاری - در سال ۱۲۸۶ شمسی «مهدی روسی خان» عکاس، که پدرش انگلیسی بود و مادرش یک تاتار روس، به خرید یک دستگاه پروژکتور فیلم دست زد و نمایش فیلم های کوتاه در حدود ۸ یا ۹ دقیقه ای را شروع کرد. نمایش فیلم او اول در حرمرای «محمد علی شاه» و یک سال بعد در یک سالن سینما بود. این سالن را که ۲۰۰ نفر تماشاگر در آن جا می گرفت خود او، در خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی) راه انداخت. بعد از آن نمایش فیلم او در بالاخانه ای بود، در بالای مطبعه فاروس در خیابان لاله زار. او این بالاخانه را اجاره کرد و از آن سالن نمایش فیلم مرتبی ساخت به طوری که کسانی که در آنجا به تماشای فیلم رفته اند، هنوز آنرا در خاطر دارند و می گویند در آنجا فیلم های کمده فرانسوی «ماکس لندر» یا «پرنس ریگاردن» و از این قبیل را نشان می دادند.

شیخ فضل الله نوری در همان دوره ها به یک سالن سینمایی که در دروازه قزوین باز شده بود می رود، ولی همیشه علمای دین با شیوع سینما

موافق نبودند و گاهی اوقات اشکالاتی نیز به وجود می‌آوردند. «روسی خان» مرد مستبدی بود و با دربار محمد علی شاه رابطه داشت و روس‌ها هم از او به دلیل اینکه مادرش روس بود پشتیبانی می‌کردند. به همین دلیل اشکالات و فتواهای ضد سینما را در نظر نگرفت و به کار خود ادامه داد. در این زمان اتفاقات عجیب و غریب می‌افتد، یعنی بعد از اینکه کار مبارزه مستبدان با مشروطه خواهان مجاهد بالا گرفت، سالن سینمای روسی خان را يك شب مجاهدان با هفت تیر و قطار فشنگ می‌گرفتند و به تماشای فیلم می‌نشستند، يك شب هم قزاق‌های روس می‌آمدند و فیلم می‌دیدند. در این دوره مغازه روسی خان غارت می‌شود و تمام آپارات‌ها و دستگاه‌های سینما توگراف، فیلم‌هایی که برداشته بود و فیلم‌هایی که خریده بود تاراج می‌شود و از بین می‌رود. به این دلیل امیدی به اینکه فیلم‌ها امروز به ما برسد وجود ندارد، مگر اینکه از این فیلم‌ها قسمتهایی معجزه وار پیدا بشود.

بعد «روسی خان» با فرار «محمد علی شاه» به خارج می‌رود و او تا ماه مارس ۱۹۶۸ یعنی تا آخر اسفندماه سال ۱۳۴۶ شمسی در «سن کلو» پاریس زندگی می‌کرد و در همین جا مرد. نخستین و تنها کسی که با او مصاحبه کرد و عکس گرفت خود من بودم و دو بار به فاصله یکسال با او مصاحبه کردم که تمام آنچه گفته شد بر اساس گفته‌های او است و ما قبلاً این اطلاعات را نداشتیم. بعدها نیز هر چه درباره آغاز سینمای ایران در مجلات و کتاب‌ها نوشته شد بر اساس این دو مصاحبه بود.

فرخ غفاری - نخستین کسی که بهره‌برداری از سینما را رایج کرد، به طوری که مردم آمدند و از آن روز به بعد همیشه در ایران سالن سینما وجود داشته شخصی بود به نام «اردشیر خان ارمنی» (باتماگریان). اقدامات «صحاف باشی»، «روسی خان» و همینطور شخصی به نام «آقایوف» و کارهای مختلف در دروازه قزوین و غیره کارهای «موقعی» بود، یعنی زمانی می‌درخشید و بعد از بین می‌رفت. اما اولین کسی که به این کار نظم و ترتیبی داد و از آن پس برای همیشه لااقل يك سالن سینما در تهران به طور مرتب دایر بود. همین اردشیر خان ارمنی (باتماگریان)

= بعد از غارتی که از وسائل سینمایی روسی خان شد، سینما چگونه دوباره ایجاد شد و به میان مردم رفت؟

بود که سالی در خیابان فردوسی (علاءالدوله) باز کرد و بعد هم سالن‌های دیگری در تهران به وجود آمد.

= آیا در این دوره، در ایران فیلم یا فیلم‌هایی هم ساخته شد؟

فرخ غفاری - فقط به اشاره باید گفت که در ایران، در آن سنوات يك فیلم توسط خارجی‌ها برداشته شد و به دلیل اینکه این فیلم هنوز در شمار یکی از آثار معتبر و کلاسیک هنر هفتم به حساب می‌آید، آنرا ذکر می‌کنم. این فیلمی است به نام «علفزار» که در سال ۱۹۲۴ یعنی ۱۳۰۳ شمسی، برداشته شد و کوچ پنجاه هزار نفر بختیاری را از شمال خوزستان فعلی به نواحی بختیاری، نزدیک به شمال غربی اصفهان نشان می‌دهد. در این فیلم این پنجاه هزار نفر از آب‌های آشفته کارون رد می‌شوند، در کنار زردکوه بیخ می‌شکنند، برای اینکه بتوانند از کوه رد شوند و بالاخره تمام گوسفندها و گاوها و تمام احشام خود را به علفزارهای آنجا می‌رسانند. این فیلم را دو نفر آمریکایی به نام‌های «کویر» و «شودزاک» برداشتند که هنوز سند بسیار زنده‌ای است و در فیلمخانه‌ها و سینه کلوب‌های دنیا نشان داده می‌شود.

= نخستین فیلمبرداری توسط ایرانی‌ها کی و چگونه انجام شد؟

فرخ غفاری - نخستین آزمایش فیلمبرداری در ایران، و به وسیله ایرانی‌ها در سال ۱۹۳۱، یعنی ۱۳۱۰ شمسی انجام شد. و اولین فیلمبرداری را يك ایرانی به نام «خان بابا معتضدی» بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ انجام داد. او فیلم‌های خبری صامت برداشت که معروفترین آنها به گفته خود او فیلمی است به نام «مجلس مؤسسان» که در سال ۱۳۰۴ درباره مجلس مؤسسانی ساخته شد که رضا خان سردار سپهر او اولین پادشاه دومین پهلوی کرد. و همینطور فیلمی که چند ماه بعد در سال ۱۳۰۵ درباره تاجگذاری رضا شاه برداشت. این دو فیلم را که به گفته خود او بسیار معروف بود بعدها خارجی‌ها خریداری کردند. در سال ۱۳۱۰ شخصی به نام «اوهانیان»، يك ارمنی که از شوروی برگشته بود، يك مدرسه سینما در تهران تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۱، فیلم کم‌دی «آبی و رابی» را برداشت. این فیلم که مورد توجه بسیار زیاد مردم واقع شد مستقیماً از کارهای زوج کمیک دانمارکی به نام «پات و پاتاشون» الهام گرفته بود.

ایرانیها این زوج را در سینماها زیاد دیده بودند و آنها را دوست داشتند .
فیلمبردار «آبی و رابی» همان «خان بابا معتضدی» بود . «اوهانیان»
در زمستان سال ۱۳۱۳ فیلم دیگری برداشته بود به عنوان «حاج آقا
آکتور سینما» .

جز او شخصی به نام «ابراهیم مرادی» در سال ۱۳۱۲ فیلم «انتقام
برادر» و در همین سال فیلم دیگری به نام «بوالهوس» ساخت «ابراهیم
مرادی» قبلاً دو سال در مسکو ، در یکی از استودیوهای فیلمبرداری کار
کرده بود و به مدرسه سینمایی «اوهانیان» هم رفته بود و فیلم «بوالهوس»
را با همکاری شاگردان مدرسه «اوهانیان» ساخت . این فیلم در بهار
سال ۱۳۱۳ نمایش داده شد و مورد تشویق رسمی قرار گرفت ولی چون
این فیلم صامت بود مردم از فیلم ناطقی که «سینتا» به نام «دختر لر» ساخته
بود و تازه به تهران رسیده بود استقبال بیشتری کردند .

= «دختر لر» چگونه ساخته شد؟

فرخ غفاری - شخصی بود فهمیده و دانشمند به نام «عبدالحسین
سینتا» که در بمبئی مقیم بود و در آنجا به فکر افتاد که در یکی از کمپانی های
بمبئی فیلمی بسازد . او تهیه فیلم «دختر لر» را ۱۳۱۱ شروع کرد و تمام
صحنه های این فیلم را که در ایران اتفاق می افتد ، در بمبئی از نو ساخت
و هیچ صحنه ای در ایران فیلمبرداری نشده است . استقبال مردم از فیلم
«دختر لر» به حدی بود که «سینتا» بعد از آن پی در پی فیلم های «چشمان
سیاه» را در سال ۱۳۱۳ ساخت و این داستانی بود درباره دو نفر ایرانی
در هندوستان ، در زمان فتح نادر ؛ و بعد «شیرین و فرهاد» را در همان سال
ساخت و بعد «لیلی و مجنون» را در سال ۱۳۱۴ ساخت و میان این دو فیلم
آخر ، در سال ۱۳۱۳ فیلم دیگری ساخت با نام «فردوسی» که داستانی بود
توأم با شرح حال فردوسی طوسی ، که این فیلم در هزاره فردوسی نمایش
داده شد .

= امروز از فیلم هایی که «سینتا»
ساخت ، نسخه هایی وجود دارد؟

فرخ غفاری - از این فیلم ها ، جز يك كپی خیلی بریده و ناقص از
فیلم «دختر لر» و چند دقیقه از فیلم «لیلی و مجنون» ، از بقیه فیلم ها
هیچ باقی نمانده است .

فرخ غفاری - مرحوم سپنتا به من گفت: کمپانی‌های امریکایی ترسیدند که فیلم‌هایی که درهند تهیه می‌شود و ممکن است بعد در ایران هم تهیه شود، رقابت شدیدی برای بازار فیلم آمریکایی باشد، بنابراین آنها مانع شدند و از پیشرفت این نوع کارها جلوگیری کردند. بنابراین درواقع از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۲۶ هیچ فیلم دیگری داستانی در ایران نداریم مگر فیلم‌های خبری که یا توسط ایرانی‌ها تهیه می‌شد و یا خارجی‌ها مثل سفر رضا شاه کبیر به ترکیه یا فیلم‌های خبری که در زمان جنگ خارجی‌ها برداشتند.

= با استقبال بسیار زیادی که مردم از فیلم‌های «سپنتا» می‌کردند. ساخت این گونه فیلم‌ها ادامه پیدا نکرد؟

فرخ غفاری - بله و از این هم ما فقط يك كپی ناقص «دختر لر» را داریم و درواقع از ۴۷ سال فیلم‌سازی در ایران جز همین کپی «دختر لر»، و چند فیلم خبری یا مستند چیزی باقی نمانده است.

= بنابراین تا سال ۱۳۲۶ تنها اطلاع از فیلم‌های ایرانی همین چند فیلمی بود که ذکر شد؟

فرخ غفاری - سال ۱۳۲۶ آغاز صنعت فیلم ناطق در خود ایران است که تا امروز ادامه دارد. در این مدت بعضی سالها تعداد فیلم‌هایی که تهیه شد حتی تا صد فیلم رسید و بعضی سالها نیز این تعداد بسیار کم بوده اما به هر حال صنعت فیلم ادامه دارد و دو سال دیگر ما می‌توانیم جشن سی‌امین سال صنعت فیلم ایران را به معنی فیلم ساخته شده در ایران بگیریم. اولین فیلم ناطق که امیدوارم که لااقل يك كپی از آن درجائی حفظ شده باشد فیلم «طوفان زندگی» بود که شرکت میترا فیلم آن زمان (که بعد تبدیل به پارس فیلم شد و هنوز هم این شرکت به تهیه فیلم مشغول است) به مدیریت اسماعیل کوشان، آنرا تهیه کرد. کارگردان این فیلم «محمد علی دریاییگی» بود. از فیلم‌هایی که از آن زمان تا این اواخر سر و صدایی کرده چند اسم می‌بریم: فیلم «ولگرد» با کارگردانی «محسن رئیس فیروز» و شرکت ملک عطیمی که در سال ۱۳۳۲ ساخته شد. من شخصاً این فیلم را ندیده‌ام اما آنها که دیده‌اند این فیلم را میان فیلم‌های آن زمان قابل ذکر می‌دانند. و گویا فیلمی بود که جنبه رئالیستی داشت.

= فیلم ناطق از چه سالی در ایران تهیه شد و چگونه تهیه شد؟

سال بعد یعنی ۱۳۳۳ «شاپور یاسمی» فیلم «امیر ارسلان» را برای شرکت پارس فیلم ساخت. سال ۱۳۳۶ «هوشنگ کاووسی» نخستین تحصیل کرده ایرانی و فارغ التحصیل از یک مدرسه عالی سینمایی فیلم «۱۷ روز به اعدام» را ساخت. در همان سال «مجید محسنی» نخستین فیلم را درباره کلاه مخملی‌ها با عنوان «لات جوانمرد» ساخت. «ساموئل خاچیکیان» فیلم «فریاد نیمه شب» را ساخت. سال بعد من فیلم «جنوب شهر» را ساختم که باز درباره کلاه مخملی‌هاست، و کافه و چاقوکشی آن زمان را نشان می‌داد. این فیلم تنها چند روز به نمایش درآمد.

بعد یک سلسله فیلمهای متفاوت آمد که در میان آنها می‌توان نام فیلم «فریدون رهنما» یعنی «سیاوش در تخت جمشید» را ذکر کرد. این فیلم در سال ۱۳۴۲ ساخته شد. «ابراهیم گلستان» در سال ۱۳۴۴ فیلم «خشت و آئینه» را ساخت و فیلم فوق‌العاده «فروغ فرخزاد» که در سال ۱۳۴۲ با نام «خانه سیاه است» تهیه شد. و بالاخره «شب قوزی» که در سال ۱۳۴۲ ساختم. فیلم‌هایی که نام بردم در فیلمخانه‌ها یا فستیوال‌های کشورهای خارج نمایش داده شدند و این قبل از زمانی بود که فیلم‌های ما بیشتر به فستیوال‌های جهانی راه پیدا کنند.

تولید سینمای ایران تا صد و چند فیلم در سال افزایش یافت. تعداد تماشاگر زیاد شد و به ترتیب کانون فیلم به وجود آمد، بعد فیلم‌خانه ملی درست شد. مجلات سینمایی انتشار یافت و کتابهای سینمایی ترجمه یا تألیف شد. فستیوال بین‌المللی فیلم تهران در سال ۱۳۵۱ آغاز به کار کرد. جشن هنر شیراز (در ۱۳۴۶) و فستیوال بین‌المللی فیلم کودکان در سال ۱۳۴۵ به وجود آمد. فستیوال ملی سپاس به فیلم‌های داخلی اختصاص داده شد. مدارس اختصاصاً سینمایی مثل مدرسه عالی تلویزیون و سینما به وجود آمد، دو بخش سینمایی در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران تأسیس شد.

با این کوشش و زحمت پیش‌قدمان و توسعه کار سینما در ایران خوشبختانه در سال ۱۳۴۸ تعدادی فیلم ساخته شد که در ایران و خارج از ایران سروصدا کرد مثل «قیصر» ساخته مسعود کیمیایی، در همان سال داریوش مهرجویی فیلم «گاو» را ساخت و بعد از آن فیلم‌های «آقای



بالا : سیاوش در تخت جمشید ساخته فریدون رهنما
پائین : بستجی ساخته داریوش مهرجویی



شهرستانگاه علوم
پرتال جلاله

هالو» و «پستیچی» را ساخت. «بهرام بیضائی» که سابقه او را در درام نویسی می دانیم بافیلم «رگبار» در سال ۱۳۵۰ توفیقی به دست آورد. ناصر تقوایی در سال ۱۳۴۸ فیلم «آرامش در حضور دیگران» را ساخت. «جلال مقدم» فیلم «فرار از تله» را در سال ۱۳۵۰ تهیه کرد. پرویز کیمیایوی در سال ۱۳۵۱ فیلم «مغولها» را ساخت. ذکریا هاشمی «سه قاب» را در سال ۱۳۵۰ کارگردانی کرد. «امیر نادری» فیلم «تنگنا» را در سال ۱۳۵۲ تهیه کرد. و آربی اوانیان فیلم «چشمه» را در سال ۱۳۵۱ ساخت. بعد کسانی مثل نصرت کریمی که فیلم «در شکمچی» او در سال ۱۳۵۰ توفیق عامه یافت. کمندی موزیکال «حسن کچل» را «علی حاتمی» در سال ۱۳۴۹ ساخت. هژیر داریوش فیلم «بی تا» را در سال ۱۳۵۱ ساخت. منوچهر انور «شهر قصه» را بعد از فیلم مستند خوب «نیشدارو» در سال ۱۳۴۲ کارگردانی کرد. کامران شیردل که «صبح روز چهارم» را ساخته بود در فیلم های کوتاه موفقیت بسیار به دست آورد. «سهراب شهید ثالث» بافیلم های «یک اتفاق ساده» و «طبیعت بی جان» موفقیت به دست آورد. «بهمن فرمان آرا» بافیلم «شازده احتجاب» یک جایزه بزرگ به دست آورد. فیلم های کوتاه هم در وزارت فرهنگ و هنر و هم در تلویزیون ملی و هم در کانون پرورش فکری به وجود آمد و عده ای در ساختن فیلم های کوتاه توفیقهایی به دست آوردند مثل هژیر داریوش، خسرو سینائی، پرویز کیمیایوی، بهرام بیضائی، کیا رستمی، زرین کلک.

رتال جامع علوم انسانی

= در حال حاضر چند کمپانی در ایران فیلم می سازند؟

فرخ غفاری - در حال حاضر ۱۵ شرکت تهیه فیلم در ایران هست، که اینها خارج از دستگاههای دولتی است که فیلم های داستانی هم می سازند مثل وزارت فرهنگ و هنر، تلویزیون ملی ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. اما در این ۱۵ شرکت فیلم سازی، تنها ۵ شرکت معتبر می توان پیدا کرد.

= معتبر از چه نظر؟

فرخ غفاری - از این نظر که دارای سرمایه و وسایل کافی هستند.